

بازتاب رویکردهای سیاست خارجی اسلامی بر بیداری ملت‌های مسلمان

مختار شیخ حسینی*

چکیده

تاریخ اجتماع بشر از دیدگاه قرآن کریم، همواره عرصه مبارزه حق و باطل بوده است و هر بار که سلطه باطل برای مدتی برقرار شده، زمینه‌های دگرگونی نیز فراهم شده و در نهایت، به پیروزی جبهه حق منتهی شده است. انقلاب اسلامی ایران تحقق یکی از این وعده‌های قرآنی بود. بیداری ملت‌های مسلمان را که امروز در کشورهای اسلامی در حال وقوع دادن است، می‌توان براساس آیات قرآن کریم و بازتاب‌های انقلاب اسلامی بررسی کرد.

مسئله پژوهش، بررسی چگونگی رابطه بین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت‌ها و بیداری ملت‌های مسلمان در این کشورهاست که بر اساس روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع اسنادی به این موضوع پرداخته می‌شود.

هدف پژوهش، توجه دادن به اهمیت متغیرهای اعتقادی در بیداری اسلامی نسبت به سایر عوامل اجتماعی و خارجی است و نوآوری این تحقیق بررسی سیر سیاست خارجی اسلامی از دولت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه تا جمهوری اسلامی و در نهایت، تأثیر آن بر بیداری اسلامی اخیر است.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی، ساختار - کارگزار و دولت مدینه.

مقدمه

مبانی قرآنی است، از رویکردهای اتخاذی از سوی دولت‌های خود رضایت ندارند.

مفروض این مقاله، توجه به چند علیتی بودن انقلاب‌ها و حرکت‌های مردمی بر ضد حکومت‌های دیکتاتوری است. در بیداری اسلامی اخیر در کشورهای اسلامی نیز تقلیل علت این بیداری به یک عامل، تبیین‌کننده این حرکت‌ها نخواهد بود. از طرفی، برای بررسی زمینه‌های این بیداری، پرداختن به عوامل مختلف آن به طور مبسوط راه‌گشا خواهد بود. البته پرداختن به هر کدام از عوامل دخیل (از جمله: عامل خارجی، زمینه‌های اقتصادی، محرومیت‌های فرهنگی، و محدودیت‌های اجتماعی) می‌تواند موضوع یک پژوهش جداگانه باشد و در نهایت، سهم هر عامل در بیداری مشخص شود. اما حوزه اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر سیاست خارجی اتخاذی از سوی این کشورها بر بیداری ملت‌هاست.

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: چه رابطه‌ای بین جهت‌گیری‌های غیراسلامی سیاست خارجی حاکمان در جوامع اسلامی و بیداری ملت‌های مسلمان وجود دارد؟ فرضیه: به دلیل مسلمان بودن اکثریت مردم در این کشورها، دوری حاکمان از الگوهای سیاست خارجی اسلامی منجر به واکنش و نارضایتی مردم در قالب بیداری اسلامی می‌شود.

سؤال‌های فرعی این پژوهش نیز به قرار زیرند:

- نوع ارتباط یک دولت اسلامی با نظام بین‌الملل و محیط پیرامونی خود از لحاظ تئوریک چگونه است؟
- اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی بر اساس الگوی دولت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه چیست؟
- سیاست خارجی اسلامی چه تأثیراتی بر

دین اسلام، دینی جامع و کامل برای تمام زمان‌ها و مکان‌هاست و برای تمام امور فردی و اجتماعی انسان برنامه دارد. یکی از نیازهای اجتماعی بشر، تشکیل دولت و سامان یافتن امور اجتماعی است. انسان موجودی اجتماعی است که به لحاظ طبیعی تمایل به برقراری ارتباط با نزدیکان و اطرافیان خود دارد. این نیاز در یک گروه و جامعه که شکل یافته از افراد انسانی است نیز مشاهده می‌شود. این نیازها در سطح جهانی نیز برای دولت‌ها وجود دارد و آنها را ناگزیر از ایجاد ارتباط با دیگران می‌کند. این ایجاد ارتباط می‌تواند در شکل همگرایی و همکاری یا واگرایی و تعارض باشد. هر دولت با اتخاذ یکی از این استراتژی‌ها به برطرف کردن نیازهای خود می‌پردازد.

در اسلام به جنبه‌ها و کارویژه‌های دولت اسلامی و شاخص‌های آن پرداخته شده است و با توجه به معصوم بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، می‌توان با بررسی شاخص‌های مدیریتی ایشان در جنبه‌های مختلف دولت اسلامی، به ارائه الگوی مدیریتی ایشان در آن حوزه پرداخت و برای به دست آوردن این الگوها در زمینه‌های اجتماع باید به سیره و قرآن کریم رجوع کرد. انقلاب اسلامی با مراجعه به سیره پیامبر و معصومان علیهم السلام و قرآن کریم، با به دست آوردن این شاخص‌ها در سیاست خارجی خود، به عنوان یک کشور اسلامی عمل نمود. این رویکرد، خواسته مردم در جمهوری اسلامی نیز می‌باشد که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اما در بسیاری از کشورهای اسلامی که اکثریت مردم مسلمان هستند، به دلیل سلطه طبقه‌ای خاص و محدود، قدرت به حالت ایستا و بر طبق منافع این طبقه شکل گرفته است. مردم این کشورها با مشاهده سیاست خارجی جمهوری اسلامی که برگرفته از

رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

- رویکرد سیاست خارجی کشورهایی که امروز با بیداری اسلامی مواجهند بر چه مؤلفه‌هایی استوار بوده است؟

در پیشینه این تحقیق، در مورد سیاست خارجی دولت اسلامی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کتاب‌هایی وجود دارد؛ از جمله: **دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام**، نوشته سید عبدالقیوم سجادی و **مجموعه مقالات سیاست نبوی؛ مبانی، اصول و راهبردها**، تألیف علی‌اکبر علیخانی.

در بخش انقلاب اسلامی و سیاست خارجی آن نیز منابع زیادی وجود دارد که تمرکز این پژوهش بر روی کتاب‌هایی نظیر: **انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها و انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه**، تألیف منوچهر محمدی بوده است. در بخش بیداری اسلامی اخیر منابع مکتوب قابل توجهی وجود ندارد، هرچند بر مباحث نظری آن، کتبی مانند: **جنبش‌های اسلامی معاصر**، نوشته سیداحمد موثقی و **تاریخ تمدن اسلامی**، تألیف علی‌اکبر ولایتی به چشم می‌خورد.

در این مقاله، ابتدا با تبیین سیاست خارجی دولت اسلامی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه، به الگوپذیری انقلاب اسلامی از این سیاست خارجی اسلامی خواهیم پرداخت و در ادامه، با اشاره به تأثیر الهام‌بخش سیاست خارجی اسلامی بر بیداری ملت‌های مسلمان، به این مسئله می‌پردازیم که در کشورهایی با اکثریت مسلمان، دوری حاکمان از رویکردهای اسلامی سیاست خارجی باعث بیداری مردم مسلمان این کشورها خواهد شد.

در این پژوهش، متغیر بیداری اسلامی به عنوان متغیر وابسته، و رویکردهای غیراسلامی سیاست خارجی حاکمان به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش از بررسی رابطه بین متغیرها، به رابطه دولت اسلامی به عنوان یک کارگزار در نظام بین‌الملل براساس نظریه ساختار کارگزار اشاره می‌شود و سپس به شکل‌گیری دولت اسلامی در مدینه و اصول سیاست خارجی آن. در بخش بعد، تأثیر این سیاست خارجی بر جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی مورد سؤال قرار خواهد گرفت. بخش پایانی نیز به الگوی رفتار سیاست خارجی حاکمان کشورهایی که با بیداری اسلامی مواجهند می‌پردازد. نوآوری این تحقیق در این است که برای بررسی بیداری کشورهای اسلامی، علاوه بر عوامل مؤثر در بیداری، به اعتقادات اکثریت مردم این کشورها، که مسلمانند، نیز پرداخته است. نظریه‌های سنتی انقلاب در تحلیل این بیداری‌ها ناکام هستند؛ چراکه متغیر مذهب و اعتقادات در آن نادیده گرفته شده است.

چارچوب نظری

هر کشور در سطح نظام بین‌الملل یک واحد به شمار می‌رود که برای جهت‌گیری سیاست خارجی خود نیاز به یک مبانی تئوریک دارد. در مورد نحوه ارتباط کشورها در سطح ساختار با یکدیگر، می‌توان از چارچوب نظری رابطه ساختار و کارگزار استفاده کرد و به تفاوت آن با رویکرد اسلامی توجه نمود. یکی از مباحث مهمی که در مباحث فرانظری هر یک از نظریه‌های روابط بین‌الملل به آن پرداخته می‌شود نحوه رابطه ساختار و کارگزار است که نوع نگاه هر نظریه، محدودیت‌ها و فرصت‌هایی برای ساختار و کارگزار فراهم می‌کند. «کارگزاری» یعنی توانایی کنشگر برای کنش آگاهانه از طریق تلاش برای رسیدن به اهداف خود؛ پس دربردارنده اختیار است و بنابراین، کنش، نتیجه تفکر آگاهانه بازیگر است. «ساختار» نیز به معنای بستر و معطوف به زمینه‌ای است که رویدادهای

دیگر رویکردها در شیوه تعامل با دیگر واحدها در سطح بین‌الملل، ویژگی‌های خاص خود را دارد. انقلاب اسلامی ایران نیز بر مبنای اسلامی بنا گذاشته شده که بسیاری از قواعد نظام بین‌الملل را ظالمانه می‌داند؛ مثلاً، از جمله هدف‌های انقلاب، حمایت از مستضعفان در داخل کشور و نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان بود که همچنان در عمل تداوم می‌یابد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ لَأْتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾ (نساء: ۷۵)؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستم‌گران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید. حال آنکه این مسئله در سطح ساختار، از یک کارگزار نظام (مانند ایران) پذیرفته نیست و باعث بروز تنش‌هایی می‌شود. از سویی، کشور ایران در طول حکومت‌های پنجاه ساله پهلوی و پیش از آن، زیر سلطه استعمارگران بود، و استعمار بر همه امورات کشور تسلط داشت. اسلام به استقلال امت اسلامی، توجه فراوانی دارد و هرگز اجازه نمی‌دهد کشور اسلامی، زیر سلطه کفار و دشمنان درآید. قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾ (نساء: ۱۴۱)؛ خداوند هرگز راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده. از طرفی، خطر کفار و دشمنی آنان نسبت به مسلمانان را هشدار داده، می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...﴾ (ممتحنه: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خویش را دوست خود قرار ندهید. این آموزه‌های دینی مبنای اختلاف با ساختاری است که فقط به قدرت، سلطه و استثمار منابع دیگر کشورها می‌اندیشد.

نظام بین‌المللی آرمانی اسلام، نظامی عدالت‌محور با پذیرش حاکمیت برابر ملت‌ها و حقوق مساوی

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چارچوب آن شکل می‌گیرند.^(۱) در مورد تعامل یا تقدم و تأخر ساختار و کارگزار می‌توان نظریات را در سه سطح «اصالت کارگزار»، «اصالت ساختار» و «ساخت‌یابی» (تعامل ساختار و کارگزار) دسته‌بندی کرد.

طرف‌داران رویکرد اصالت کارگزار، سوژه‌محورند و بیشترین نقش را برای فاعل شناسا قایلند. از نگاه آنها، پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال کارگزارانی هستند که ارزش، اعتقادات، هدف و معنای خاصی بر افعالشان حاکم است. در اینجا فرض بر این است که پدیده‌های اجتماعی محصول افعال هدفدار کارگزاران است.^(۲) در روابط بین‌الملل نظریات تصمیم‌گیری در این دسته قرار می‌گیرند. رویکرد دیگر، اصالت ساختار است که در آن، ساختارها دارای خصوصیات سخت و غیرقابل تقلیل هستند و در مقابل کارگزاران قرار می‌گیرند. مارکس را از جمله کسانی می‌دانند که بر تعیین‌کنندگی این ساختارها بر اعمال و نیز کل جامعه تأکید کرده است؛ زیرا بر ساختارهای اقتصادی نادیده جامعه سرمایه‌داری تأکید می‌کند.^(۳) در این رویکرد، ساختار را عامل رفتار یک واحد تلقی می‌کنند.

ساخت‌یابی رویکرد میانه‌ای است که مهم‌ترین متفکر آن گیدنز است که کوشیده بین ساختار (به عنوان بستر کنش‌های اجتماعی و سیاسی) و اصل استقلال و عاملیت کارگزاران ترکیبی ایجاد کند. در این رویکرد، هر دو به شکل متقابل یکدیگر را قوام می‌بخشند. از این منظر، ساختار و کارگزار دارای ارتباط درونی و درهم‌تنیدگی هستی‌شناسی هستند. وی با نفی دوگانگی ساختار و کارگزار، آن دو را به یک سکه تشبیه می‌کند که دو روی آن وابسته به همدیگر بوده و از هم جدا نیستند.^(۴)

رویکرد اسلامی با توجه به مبانی معرفتی متفاوت از

آشکار می‌شود. ساختار سیاسی جاهلیت در شبه جزیره عربستان مبتنی بر نظام قبیله‌گی و وابستگی همه چیز به شیخ قبیله بود^(۷) و به دلیل قبایل متعدد و پراکنده، همبستگی اجتماعی وجود نداشت و عامل تعصب‌های قبیله‌گی مانع از شکل‌گیری دولت واحد شده بود و اعضای قبیله موقعیت اجتماعی خود را بر اساس نژاد و درون قبیله‌گی داشتند. بدوی هیچ وقت به مقام انسان اجتماعی نمی‌رسد و برای کسب فضایی که هدف آن ترجیح مصلحت جماعت است، نمی‌کوشد، مگر آنکه امری مربوط به قبیله او باشد.^(۸)

پیامبر با ورود به مدینه شروع به سامان دادن اوضاع اجتماعی - اقتصادی و امور دنیوی مردم نمود. آن حضرت برای شکل دادن دولت در مدینه، با موانعی روبه‌رو بودند. اولین مسئله، عدم سامان سیاسی در آن شهر بود. فقدان یک نظام متمرکز برای رتق و فتق امور مردم و ناهمگونی جمعیتی این شهر، موجب تفرقه در مدینه شده بود که عدم امنیت را در پی داشت. در آن زمان ساکنان اصلی شهر، دو قبیله اوس و خزرج بودند که به لحاظ تاریخی اختلافات زیادی با یکدیگر داشتند.

مسئله دیگر، وجود اقلیت یهودی در این شهر بود که به لحاظ ناهمگونی جمعیتی می‌توانست تهدیدی بالقوه برای شکل‌گیری دولت اسلامی باشد. پیامبر ﷺ برای غلبه بر این مشکلات، به تدوین قانون اساسی (منشور) مدینه پرداخت که در آن، وظایف هر یک از گروه‌ها مشخص شده بود و آزادی یهودیان را نیز دربر داشت و با تدبیرهای مکمل، مانند عقد اخوت بین مهاجران و انصار و رفع اختلافات اوس و خزرج، زمینه شکل‌گیری اولین دولت اسلامی را مهیا نمود. با اتخاذ این راهبرد، پیامبر ﷺ اختلافات گروه‌ها و قبایل را به نوعی وحدت ملی بین آنها تبدیل نمود و در مصالح عامه بین یهود و

انسان‌هاست؛ وجود یک نظام بین‌المللی عدالت‌محور که قواعد تبعیض‌آمیزی را بر جامعه بشری تحمیل نکند و حافظ حقوق و حاکمیت برابر دولت‌ها و ملت‌ها باشد. با بررسی سیاست خارجی پیامبر اکرم ﷺ و آموزه‌های اسلامی در سیاست خارجی، رویکرد ساخت‌یابی را به اسلام نزدیک‌تر می‌توان دید؛ چون در رابطه یک دولت با دیگران، مبانی خاص خود را دارد و با سطح نظام بین‌الملل نیز در صورت مخدوش نشدن اصول خود تعامل دارد. اما در صورت تعارض قواعد نظام بین‌الملل با مبانی اسلامی برای کشور اسلامی، اصل مبانی قرآنی سیاست خارجی خواهد بود و در صورت تقدم الزامات ظالمانه نظام بین‌الملل، با واکنش ملت مواجه خواهد شد. اگر نظریات فوق را با دیدگاه اسلامی مقایسه کنیم، رویکرد سوم با تعالیم دینی نزدیک‌تر است؛ چون دیدگاه کلامی شیعه حالتی بین جبر و اختیار (لا جبر ولا تفویض) است و از این جهت، بین دو دیدگاه تقریبطی و افراطی معتزله و اشاعره قرار می‌گیرد. شاید در مسائل اجتماعی نیز بتوان چنین دیدگاه بینابینی را به متون مقدس نسبت داد. بر این اساس، فرد در جامعه اسلامی نه چنان مقهور جبر است که تسلیم شرایط موجود شود و به نوعی جبرگرایی تن دهد، و نه چنان است که بتواند هر آنچه اراده می‌کند انجام دهد.^(۵)

شکل‌گیری دولت اسلامی

با توجه به جامعیت دین اسلام و توجه آن به امور اجتماعی و سامان سیاسی مسلمانان، پیامبر ﷺ با ورود به مدینه پایه‌های یک دولت اسلامی را شکل داد و خود رئیس، قاضی و فرمانده نظامی آن بود^(۶) و خط بطلانی بر نظریه‌های جدایی دین از سیاست کشید. اهمیت این دولت با توجه به شرایط قبیله‌گی حاکم در شبه جزیره

مسلمانان برابری قرار داد. در عین حال که راه‌های سوق همگان به اسلام را باز گذاشت، بهره‌گیری از حقوق عمومی را نیز تأمین کرد^(۹) و با تنظیم تمام شئون دولت اسلامی، سیاست‌های داخلی و خارجی را طراحی نمود.^(۱۰) با بررسی مفهوم و ویژگی‌های دولت و مقایسه آنها با دولت مدینه، می‌توان به شکل‌گیری این دولت پی برد.

اصول سیاست خارجی دولت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«اصول سیاست خارجی» این‌گونه تعریف شده است: پایه‌ها و استوانه‌هایی که بر اساس قانون اساسی و مبانی نظری مشروعیت و مشروعیت‌یابی در یک کشور بنا شده‌اند.^(۱۱)

در تعریف سیاست خارجی نیز آمده: یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طراحی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن، دست‌یابی به اهدافی معین در چارچوب منافع ملی در محیط بین‌المللی می‌باشد.^(۱۲)

۱. اصل دعوت

یکی از اساسی‌ترین اصول سیاست خارجی پیامبر با توجه به احکام منصوصه اسلام، اصل دعوت است؛ همان‌گونه که شروع گسترش اسلام در بین خویشاوندان ایشان با همین اصل آغاز شد. هدف غایی اسلام نیز گسترش جهانی این دین با تقدم اصل دعوت بر جنگ است. تلاش پیامبر بر گسترش تفکر توحیدی در جهان بر طبق همین اصل مبتنی بوده است و در نامه‌های پیامبر، این فراخوانی اصل اساسی تلقی شده است. این اصل در قرآن کریم آمده: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ (آل عمران: ۶۴)؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی کلمه واحد بین ما و بین شما به اینکه غیر خدا را پرستش نکنیم و چیزی با او

شریک نگیریم.

آیات زیادی وجود دارد که دعوت را امری مسلم در اسلام تلقی کرده و همان‌گونه که اسلام در مکه با این اصل به موفقیت رسید، در مدینه نیز با شکل‌گیری دولت اسلامی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیاست خارجی حکومت خود را در ارتباط با سران کشورها و قبایل، همین شیوه برگزید. با توجه به وجود قدرت‌ها در محیط بین‌المللی آن دوره، در صورتی که در گسترش اسلام اصل دعوت انتخاب نمی‌شد، چه در صحنه داخلی با توجه به عصبیت‌های جاهلی و چه در صحنه‌های بین‌المللی، نمی‌توان موفقیتی برای آن متصور بود.

۲. اصل نفی سبیل

با پذیرش ارتباط با دیگران در صحنه بین‌المللی باید اصلی طراحی می‌شد که ضامن استقلال و عزت مسلمانان در این ارتباطات باشد. این اصل از آیه ذیل گرفته شده است که می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱)

طبق این اصل، نمایندگان دولت اسلامی در هیچ جایی مجاز به بستن قرارداد یا ایجاد ارتباطی که زمینه سلطه بیگانگان را فراهم کند نبودند و راه نفوذ کفار در بین مسلمانان با توسل به شیوه‌های مرسوم بسته می‌شد. این آیه در مورد نفی هرگونه اعتماد به کفار است که باعث بهره‌گیری کفار از آن اعتماد شود و با ایجاد ارتباط، بتوانند در زندگی اجتماعی و فردی مسلمانان تأثیر بگذارند. این‌عربی معتقد است: این نفی سبیل، مطلق است و شامل سبیل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود.^(۱۳) این اصل مبتنی بر اصل عزت مسلمانان است. قرآن کریم عزت را از آن خداوند و پیامبر و مؤمنان دانسته است. نفی سبیل به دلیل حفظ عزت مسلمانان در سیاست خارجی اسلام چراغ

راهنماست و چون سبیل کفار در نهایت منجر به حقارت و سرافکنندگی مسلمانان می‌شود نفی شده است.

۳. اصل وفای به عهد

یکی از روش‌های ارتباط بین دولت‌ها انعقاد پیمان‌هایی است که به صورت دو یا چند جانبه بین آنها بسته می‌شود و از طریق آن، مبنایی برای چگونگی ارتباط و وظیفه هر یک از طرفین طراحی می‌گردد. رعایت قراردادهای در صحنه بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است و زیر پا گذاشتن آنها می‌تواند باعث کاهش پرستیژ آن کشور و بدبینی دیگران نسبت به آن گردد. این اصل در سیاست خارجی دولت اسلامی نیز مبنایی قرآنی دارد و در آیات بسیاری به آن اشاره شده است؛ از جمله:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ﴾ (مائده: ۱)؛ ای

کسانی که ایمان آورده‌اید، به عهدهای خود وفا کنید.

﴿ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ

شَيْئاً وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَداً فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴾ (توبه: ۴)؛ اگر آن گروه از مشرکان که با آنها عهد کرده‌اید و هیچ عهد شما نشکستند و هیچ‌یک از دشمنان شما را یاری نکرده باشند، پس تا مدتی که مقرر داشته‌اید عهد نگاه دارید که خداوند پرهیزگاری را دوست دارد.

فلسفه تأکید اسلام بر لزوم وفاداری بر عهد و پیمان، ایجاد زمینه توافق بر همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز است تا انسان‌ها با آزادی و صلح و امنیت با یکدیگر زندگی کنند و اصول و قواعد حاکم بر زندگی مشترک براساس توافق و اراده مشترک تنظیم گردد. (۱۴)

بررسی سیره پیامبر ﷺ، نشان از پیمان‌های بسیار آن حضرت دارد. ایشان به تمام آن پیمان‌ها وفادار ماند و تا پیش از نقض آنها توسط طرف مقابل، برخلاف مضمون

آنها عمل ننمود. این عمل به معاهدات باعث نگاه مثبت در شبه جزیره به دولت پیامبر شده بود؛ پیمان‌هایی که پیامبر با یهودیان در بدو ورود به مدینه بست و تا قبل از نقض آن به وسیله یهودیان، بر آنها وفادار ماند. این شیوه در پیمان با مسیحیان نجران و کفار قریش نیز مراعات شد. از تأکیدات قرآن به دست می‌آید که مسلمانان باید نسبت به عهود و قراردادهایشان کاملاً وفادار باشند، هر چند به ضررشان تمام شود. در نظر اسلام، پیمان در هر اوضاع و احوالی محترم است، و طرف پیمان هر که باشد، حتی فاسق و کافر، مسلمانان باید به عهد و پیمان‌شان پایبند باشند. دلیل تأکید حضرت بر رعایت مفاد قراردادهای به دلیل روح حاکم بر رفتارهای دولت اسلامی بود که از آیات قرآن استفاده می‌شد و این اصل در سیاست خارجی تا نقض طرف مقابل معتبر بود.

۴. اصل جهاد

یکی از مواردی که تمام دولت‌ها و بخصوص موجودیت دولت‌های تازه شکل‌گرفته را تهدید می‌کند، خطرات خارجی است که احتمال دارد از سوی دولت‌های دیگر مورد تعرض قرار گیرد. مورد دیگر، خطر معارضانی است که از داخل برای فروپاشی یک نظام سیاسی تلاش می‌کنند. از ضروریات هر حکومت برنامه داشتن برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی است و بقای یک دولت ضروری‌ترین ارزش برای آن است. در قرآن کریم بر این اصل که موجب ادامه حیات اسلام است تأکید فراوان شده: ﴿ وَأَعِدُوا لِلَّهِ مَا اسْتَبَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ﴾ (انفال: ۶۰)؛ هر چه در توان دارید از نیروها و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این، دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگری را جز ایشان که شما

نمی‌شناسیدشان بترسانید. هرچند استفاده از اصل جهاد به صورت دفاعی مطرح بوده، ولی برای حفظ و بقای دولت اسلامی جایگاه مهمی داشته است.

اهداف سیاست خارجی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اصولاً هر دولتی داده‌های سیاسی خود را بر اساس یک سلسله اصول و اهدافی تنظیم می‌کند که شناخت آنها از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا شالوده و اساس خط‌مشی و دیپلماسی هر کشور به وسیله اصول و اهداف از پیش تعیین شده آن رقم می‌خورد و در عمل نیز راهنمای مجریان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی قرار می‌گیرد. (۱۵)

در دستگاه دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اهدافی در سطح داخلی و بین‌المللی راهنمای عمل بود. در ذیل، به مهم‌ترین اهداف بین‌المللی سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌شود:

۱. برقراری صلح

این هدف در سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله، برگرفته از آموزه‌های قرآنی است. در جریان فتح مکه، در حالی که پیامبر اکرم با پیروزی وارد مکه شد، ولی در برخورد با دشمنان خود با صلح و مدارا عمل نمود. هیچ‌گاه در اهداف پیامبر برخوردهای خشونت‌آمیز اتفاق نیفتاده است. در منابع اسلامی در مورد روابط خارجی می‌توان تأکید بر اولویت داشتن صلح را استنباط کرد. (۱۶)

۲. رساندن پیام وحی به جهانیان

این هدف با توجه به رسالت جهانی اسلام طراحی شده است. در این نگاه، اسلام دینی که محدود به شبه جزیره باشد نیست، بلکه آخرین دین و حیانی و مورد نیاز همه مردم در تمام جهان است. لازمه این ویژگی، رسالتی تاریخی برای مبلغان آن فراهم کرده که برای رساندن این

پیام از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. روابط میان دولت‌ها را می‌توان به عنوان یک بازی گروهی که بازیگرانش را دولت‌های ذی‌نفع تشکیل می‌دهند مورد توجه داد. هر یک از بازیگران دارای سلسله ویژگی‌هایی هستند که با سایرین متفاوت است. (۱۷) دولت پیامبر نیز به دلیل ویژگی‌های خاص خود، به دنبال محقق کردن آرمان‌هایش، از جمله رساندن پیام وحی بود. این هدف به وسیله به کار بستن اصل دعوت در سیاست خارجی پیامبر دنبال می‌شد و در نامه به سران کشورها، مهم‌ترین نکته دعوت به دین اسلام و رساندن پیام آن بود.

۳. برقراری توحید و پرهیز از بت‌پرستی

دین اسلام با مبارزه با شرک و بت‌پرستی در بین قبایل عرب آغاز شد و با تبیین شعار «لا اله الا الله» مکتب توحیدی و پرستش خدای یگانه را ارائه داد. بعد از برقراری این هدف در سطح داخلی، به تدریج در سطح بین‌المللی نیز ارائه شد. این هدف برگرفته از آیه قرآن است که می‌فرماید: «بگو ای اهل کتاب، بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که بجز خدای یگانه هیچ کس را نپرستیم و چیزی با او شریک قرار ندهیم.» (آل عمران: ۶۴) تأکید بر خداپرستی، بیدار کردن فطرت‌ها در سرتاسر جهان بود و چون مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی بود و از سوی رهبری مانند پیامبر ابراز می‌شد، کارایی خاصی داشت. رهبران سیاسی و انسان‌های اهل اندیشه مدت‌هاست به اهمیت اندیشه‌های گسرا یا توانایی تنظیم دستور کار سیاسی و تعیین چارچوب بحث‌ها به شیوه‌ای که ترجیحات دیگران را شکل دهد، پی برده‌اند. توانایی در تأثیرگذاری بر آنچه دیگر دولت‌ها طلب می‌کنند، معمولاً با منابع غیرملموس قدرت همچون فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها همراه

راه جدیدی را ارائه کرد که همزمان، تسلط دو قدرت بزرگ را نفی کرد و در مقابل آن، هزینه‌های سنگینی هم برای این آرمان خود پرداخت، ولی استقلال و شعار راهبردی خود را حفظ نمود و موفق شد این نگرش استراتژیک را به عنوان یک انقلاب اصیل در جهان مطرح کند و ایران در مخالفت با غرب همان قدر جدی بود که شرق و کمونیسم را نیز باطل می‌دانست. از دیدگاه استمپل، امام خمینی هیچ‌گاه سودی برای کمونیسم نداشته است؛ او همیشه کمونیسم را به عنوان یک نیروی شیطنانی هم‌تراز ایالات متحده دانسته است.^(۲۱)

با فروپاشی شوروی و پایان یافتن منطبق حاکم بر جنگ سرد، به دلیل تک‌قطبی شدن و هژمونی آمریکا، باز هم منطبق حاکم بر رفتار سیاسی جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی تغییر نکرد. این در حالی بود که ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی، حوزه‌های نفوذ خود را به سرعت و بدون رقیب گسترش می‌داد و سعی در جهانی کردن لیبرال دموکراسی داشت و اندیشمندان او پایان تاریخ را با سلطه یافتن لیبرال دموکراسی پیش‌بینی می‌کردند. فوکویاما در شرح نظریه خود چنین می‌گوید: دموکراسی شکل نهایی حکومت در جوامع است و تاریخ بشریت نیز مجموعه‌ای منسجم و جهت‌دار است؛ که بخش عظیمی از جامعه بشری را به سمت نظام دموکراسی لیبرال سوق می‌دهد.^(۲۲) در اینجا به برخی از تأثیرات انقلاب اسلامی بر ساختار نظام بین‌الملل که برگرفته از تفاوت مبنای معرفتی بر اساس قرآن کریم است و برای مسلمانان جهان جذابیت ویژه‌ای دارد و سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، اشاره می‌شود:

جهانی کردن مبارزه با رژیم اشغالگر قدس

یکی از مسائلی که با انقلاب اسلامی بر ساختار نظام

است.^(۱۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بر اساس یک ایدئولوژی دینی با هدف مبارزه با بت‌پرستی، به تأسیس نهادهای سیاسی اجتماعی برای رسیدن به این هدف پرداخت.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران با الگوگیری از دولت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مبانی قرآنی، سعی کرد جهت‌گیری جدیدی در سیاست خارجی خود ارائه کند که با برخی از الزامات نظام بین‌الملل تعارض داشت. انقلاب اسلامی در فضای بین‌المللی ای شکل گرفت که روابط حاکم بر آن، دو قطبی بود و از ابتدا با طرح شعار «نه شرقی نه غربی» نظام بین‌المللی موجود را به چالش کشید و قواعد و ساختار آن را به رسمیت نشناخت. انقلاب اسلامی راهی غیر از مسیر دوران پهلوی برای خود انتخاب کرد. امام خمینی رضی الله عنه پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، در اولین پیام خود به ملت ایران فرمودند: «من به این پیروزی که برای ملت ایران پیدا شده است تبریک می‌گویم. یک نظام شاهنشاهی ظالم دو هزار و پانصد ساله را شما ملت ایران با مشیت و با همتی بزرگ و ایمانی راسخ سرنگون کردید و توجه به پشتیبانی‌هایی که از او می‌شد نکردید.»^(۱۹)

انقلاب اسلامی نظام دو قطبی را نافی حقوق ملت‌ها معرفی کرد و فرار از سیاست‌های استعماری آمریکا و شوروی را تنها راه نجات ملت‌ها دانست. پروفیسور هدی اندیشمند مقیم اتریش می‌گوید: اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی در جهان معاصر در نظر بگیریم، آن تاریخ ۱۹۷۹ میلادی است؛ یعنی مقارن پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آورده است و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت.^(۲۰) انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی نه غربی»

نسبت به آزادساختن مسجدالاقصی و فلسطین اعلام نمود که این مسئله در میان مردم کشورهای خلیج فارس تأثیر بسزایی در قبول و تأیید جمهوری اسلامی داشت. حضرت امام علیه السلام در پیام خویش به مناسبت اولین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ فرمودند: «اسرائیل، این جرثومه فساد، همیشه پایگاه آمریکا بوده است. من در طول نزدیک به بیست سال خطر اسرائیل را گوشزد نموده‌ام. باید همه به پا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم.» (۲۳)

نفی منطق نظام دو قطبی حاکم بر جهان

وقتی مهم‌ترین آرمان‌های سیاسی انقلاب اسلامی را بررسی می‌کنیم، پی به تعارض این آرمان‌ها با منطق حاکم بر نظام بین‌الملل می‌بریم. در واقع، مسئولیت‌های فراملی انقلاب اسلامی، میل به صدور پیام انقلاب و حمایت همه‌جانبه از ملل مستضعف و مسلمانان دارد که با ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل همخوانی ندارد. حضرت امام علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: ما هیچ کشوری مثل ایران سراغ نداریم که این طور، دنیا و شرق و غرب به آن نظر داشته باشند، و مستقل بوده و بگوید ما نه با آمریکا کار داریم و نه با شوروی و ما خودمان هستیم. و اینکه با همه دولت‌ها رابطه داشته باشیم، یعنی رابطه دوستانه، نه روابط بین ارباب و رعیت، و ما این روابط را نمی‌خواهیم، مادامی که این طور هست و ما استقلال خودمان را می‌خواهیم حفظ کنیم و در دنیا زندگی کنیم و اسلام را به پیش ببریم. (۲۴)

این نظام تجلی ساختار سیاسی دو بخشی دوران جنگ سرد است که جهان را به دو اردوگاه و به رهبری دو قدرت هم‌پیمان و پیروز جنگ جهانی دوم (آمریکا و شوروی) تقسیم کرد و بلافاصله از فردای جنگ جهانی

بین‌الملل تأثیر گذاشت و آن را جهانی کرد، مسئله فلسطین بود که با انقلاب ایران، از مسئله عربی - اسرائیلی، به مسئله‌ای اسلامی - استکباری تبدیل شد. اشغال کشور فلسطین توسط رژیم غاصب قدس و مبارزات طولانی چندین ساله مردم بی‌پناه و مظلوم فلسطین علیه اشغالگران و غارتگران صهیونیستی، یکی از مسائل مهم و ریشه‌دار منطقه می‌باشد. آوارگی یک ملت ستمدیده و شهادت و مجروح شدن ده‌ها هزار نفر از مردان و زنان آن، سال‌هاست که قلب مردم فلسطین و مسلمانان سراسر جهان را به درد می‌آورد. حمایت استکبار غرب از این رژیم اشغالگر و نیز سازش برخی کشورهای عرب منطقه و برخی از سران فلسطینی با این رژیم، بر عمق و پیچیدگی این معضل افزوده است. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم محمدرضا پهلوی روابط گرم و دوستانه‌ای با رژیم اشغالگر قدس داشت. وجود پایگاه‌های جاسوسی اسرائیل در شهرهای جنوبی و غربی ایران و فعالیت گسترده سازمان‌های جاسوسی اسرائیل در ایران، مؤید بر همین معناست. رژیم صهیونیستی، حکومت پهلوی را تنها دوست و متحد خود در منطقه تلقی می‌کرد و مأموران ساواک ایران را آموزش می‌داد. رژیم ایران حتی در ایجاد رابطه دوستی و سازش بین کشورهای عرب منطقه با اسرائیل غاصب، نقش ایفا می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، که حمایت از ملل مسلمان و مستضعف جهان و نیز حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به عنوان یکی از سیاست‌های مهم و اصولی ایران در سیاست خارجی قرار گرفت، مسئله فلسطین از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. با پیروزی انقلاب، نماینده رژیم صهیونیستی از ایران طرد، و سفارت فلسطین در کشور دایر شد. صدور نفت به رژیم صهیونیستی قطع شد و جمهوری اسلامی تعهد خود را

آگاهی بخشی جهان اسلام

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که انقلاب اسلامی برای ساختار نظام بین‌الملل ایجاد کرد تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی و جنبش‌های فعال در این کشورها بود که با پیروی از ایران، منافع ایدئولوژی‌های غیراسلامی را در کشورهای خود به خطر می‌انداختند. قلمرو جغرافیایی جهان اسلام با قریب یک میلیارد جمعیت از تجانس دینی با جامعه انقلابی ایران برخوردار بود. بنیانگذار جمهوری اسلامی در نخستین سال پیروزی انقلاب و تعیین راهبرد سیاست خارجی اعلام داشت: ملت آزاده ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنهایی که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم.^(۲۷) سلطه و حضور شدید استعمار غرب در سرزمین‌های اسلامی، مسلمانان را برای قرن‌ها آزرده خاطر، و نسبت به غرب بدبین کرده بود. تداوم مقاومت پیروزمندانه حکومت اسلامی ایران در برابر فشار ابرقدرت‌ها و غرب، مسلمانان و جنبش‌های اسلامی را امیدوار ساخت و موجی از طرف‌داری از انقلاب اسلامی را در سراسر جهان اسلام به همراه آورد، به گونه‌ای که غرب آفریقا، شمال آفریقا، شرق آفریقا، شرق مدیترانه، ترکیه، آسیای مرکزی، قفقاز، جنوب آسیا، پاکستان، افغانستان، هند، جنوب شرق آسیا، شبه جزیره عربستان و غیر آن را به شدت متأثر کرد و روحیه استقلال‌طلبی، خودآگاهی، خودباوری و بازگشت به خویشتن را در مسلمانان زنده داشت.

در آفریقا نیز این تأثیرگذاری وجود داشت. مثلاً، مردم سودان انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود قرار دادند. در سودان عده‌ای بودند که اسلام را به عنوان یک راه‌حل

دوم، الگوی رقابت همه‌جانبه بر جهان حاکم شد که قریب به نیم قرن حوادث سیاسی جهان، سرنوشت ملت‌ها (اعم از توسعه‌یافته و یا در حال توسعه) را در خود متأثر نمود. کشورهای مسلمان و جهان سوم نیز چاره‌ای نمی‌دیدند جز اینکه تحت سیطره یکی از دو قطب حاکم آن زمان قرار بگیرند. انقلاب اسلامی در چنین شرایط حساسی با شعار «نه شرقی و نه غربی» نظام سلطه در جهان را به چالش کشید. امام راحل درباره این سیاست می‌فرماید: ما نه تحت حمایت آمریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم... آن چیزی که شما می‌خواستید جمهوری اسلامی بود. آن چیزی را که شما می‌خواستید نه شرقی و نه غربی بود و این حاصل است، این را حفظش کنید.^(۲۵)

البته مواضع قوی، ناسازگارانه، تهاجمی و مستحکم امام خمینی علیه السلام و خط‌مشی روشنگرانه ایشان در خصوص مناسبات استعماری و سلطه‌گری حاکم بر نظام بین‌المللی، به بیداری ملت‌ها، تقویت خودآگاهی و اعتماد به نفس دولت‌های استقلال‌گرا کمک نمود و به تدریج زمینه‌ها و گرایشی و گسست نظام سلطه دو قطبی را فراهم کرد. ناکامی‌های رژیم‌های کمونیستی در خصوص پاسخ‌گویی به نیازهای متحول پویای اسلامی از سوی دیگر، به کارافتادگی ایدئولوژی‌های مارکسیستی کمک کرد و فروپاشی آن را در کانون اصلی پیدایشش یعنی شوروی رقم زد. حوادث بعدی نشان داد که این پیش‌بینی امام از فروپاشی آن، در نامه به گورباچف یقینی بود. پروفیسور حمید مولانا در این زمینه می‌گوید: به عقیده من هیچ صدایی در قرن بیستم مثل صدای امام علیه السلام جهان را به لرزه درنیآورد... و طلسم سکوت را در مقابل طاغوت و ظلم شکست، که اگر این طلسم نشکسته بود امروز شوروی زنده بود.^(۲۶)

دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.^(۳۱)

تقویت جایگاه بین‌المللی دین

ادیان در مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، کاملاً به نفع امیال و اهداف ابرقدرت‌های شرق و غرب استکبار جهانی استحاله شده بودند. مسیحیت تحت تأثیر سکولاریسم به رابطه فردی میان انسان و خدا تبدیل، و روحانیت مسیحیت کاملاً واتیکانیزه شده بود و هیچ‌گونه ارتباطی با زندگی دنیوی و قوانین حاکم بر روابط اجتماعی نداشت. دین یهود که بر اساس تعالیم حضرت موسی می‌بایست علیه فرعون‌های زمان قیام کند، توسط سازمان جهانی صهیونیسم به توجیه‌گر نظامی سلطه جهانی مبدل شده بود. قدرت‌های سلطه‌گر جهان برای اینکه بتوانند به راحتی بر جوامع اسلامی حاکم گردند، بر سرمایه‌گذاری وسیع به تحریف اسلام مبادرت کرده بودند و با کنار گذاشتن ابعاد سیاسی، حکومتی، قضایی، اقتصادی و حقوقی اسلام، آن را کاملاً سکولاریزه کرده بودند. به طور کلی، در مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، دین یا رابطه‌ای فردی بود و یا افیون توده‌ها قلمداد می‌شد.^(۳۲) انقلاب ایران به لحاظ تطبیق با مشخصه انقلاب‌های بزرگ از این حیث که هم از رویکرد جهانی برخوردار بود و هم از لحاظ تحول‌خواهی و نوآوری در حوزه بینش و کنش، برد مؤثر داشت، در زمره انقلابات بزرگ به شمار می‌رود که تنها با مقایسه وضعیت امروزی جهان با دوران پیش از ظهور انقلاب اسلامی می‌توان آن را تبیین نمود. دفاع امام خمینی از اسلام در قضیه سلمان رشدی، یک رویارویی ارزش و ضد ارزش بود که هریک اصحاب خود را به

برای مشکلات نمی‌پذیرفتند. آنها متعقد بودند که راه‌حل‌ها از طریق ناسیونالیسم و با پیروی از افکار غربی به دست می‌آید. ولی انقلاب ایران، این افکار را بکلی دگرگون کرد و ثابت کرد که اسلام زنده و متحرک است و می‌تواند در مقابل امواج ایدئولوژیکی ایستادگی کند. در واقع، تأثیر انقلاب اسلامی، فرهنگی بود و تأثیرات فرهنگی امری بین نسلی است و از همین رو، ظرف زمانی آن نیز در مقیاس نسل‌ها معنا می‌یابد، چندان که آثار رفتاری و اجتماعی بر جای مانده از نفوذ فرهنگی ملل دیگر گاه قرن‌ها پایدار می‌ماند.^(۲۸)

شهید فتحی شقاقی می‌گوید: این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از امام خمینی علیه السلام است. از همین رو، ناگهان در و دیوار مساجد سرزمین‌های اشغالی به ویژه مسجدالاقصی با تصاویر امام خمینی تزیین شد. امروز نیز شاهد هستیم که آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) همان مشی امام علیه السلام را ادامه می‌دهند.^(۲۹)

و این آگاهی در بین شیعیان لبنان و عراق از مسلمات سیاسی معاصر است. امام خمینی علیه السلام به عنوان احیاگر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در قرن بیستم، در سخنرانی‌ها و در پیام‌های خود با صراحت و به طور مکرر می‌فرمودند که ما موظفیم اسلام را به دنیا معرفی کنیم و این کار را با صدور انقلاب اسلامی مان انجام خواهیم داد: ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول الله» بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.^(۳۰) امام خمینی علیه السلام در جای دیگری می‌فرماید: مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است ... باید

هیچ قاعده حقوقی نمی‌تواند کشوری را به برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر و تأسیس نمایندگی در آن کشورها مجبور نماید.^(۳۶) اما از ضروریات واحدهای سیاسی برای سامان دادن امور خود برقراری ارتباط با دیگر واحدهاست و هر دولت با توجه به مبانی معرفتی خود به اتخاذ نوع خاصی از سیاست خارجی خواهد پرداخت، همان‌گونه که در دولت پیامبر ﷺ در مدینه و جمهوری اسلامی در ایران این مورد مراعات شد. اما در کشورهای اسلامی با اتخاذ نوع خاصی از سیاست خارجی، به این امر مهم توجه نشده است. همین مسئله، موجب بیداری و عکس‌العمل مردم شده است. در ذیل، به برخی از رویکردهای سیاست خارجی کشورهای اسلامی منطقه اشاره می‌شود:

رابطه با دشمنان مسلمانان

در حالی که بر اساس اصول اسلامی، رابطه با دیگر کشورها از ضوابط خاصی برخوردار است و چنانچه کشوری بر ضد مسلمانان عمل کند، رابطه با او محدودیت دارد، ولی بسیاری از حکومت‌های دیکتاتوری حاکم بر جهان اسلام، این مبانی قرآنی را نادیده گرفته‌اند و پیمان‌های استراتژیک با دولت‌هایی دارند که در ضدیت آنها با اسلام شکی نیست. هرچند حاکمان در این رابطه به سود خود برای بقای بیشتر می‌اندیشند، اما نخبگان و بدنه جامعه که با آموزه‌های قرآنی تربیت یافته‌اند نوع این رابطه را درک می‌کنند و برای تغییر این رابطه تلاش خواهند کرد. مثلاً، در مورد اسرائیل غاصب و ضد اسلام، در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۷/انور سادات، رئیس‌جمهوری مصر، وارد این کشور شد و مورد استقبال سران این رژیم قرار گرفت. این سفر سرآغاز مناسبات مصر با رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید. پس از آن و به ویژه در دوران ریاست جمهوری

مصاف دیگری وامی‌داشت. این امر به تقویت احساس هویت اسلامی و بایستوانه بودن مسلمانان در جهان و معادلات سیاسی، امنیتی و فرهنگی بین‌المللی انجامید. در واقع، امام خمینی این روحیه را از متون گذشته که در حافظه تاریخی مسلمانان وجود داشت برای آنان ارائه کرد. از این رو، می‌توان او را بنیادگرا به معنای مثبت آن دانست؛ چراکه بنیادگرایان می‌کوشند آنچه را در گذشته تاریخی‌شان ارزشمند بوده احیا کنند تا با وجوه نامطلوب عصر جدید مقابله کنند.^(۳۳) انقلاب اسلامی نه تنها مقوله اسلام، بلکه مقوله دین را عزت بخشید و وارد معادلات بین‌المللی نمود. انقلاب اسلامی ایران که نشأت گرفته از وحی الهی و پرورش یافته در فرهنگ تشیع بود، توانست صحنه دنیای علم و معرفت را به نفع علم و معرفت دینی تغییر دهد. تلویزیون بی بی سی در برنامه‌ای در مورد نقش انقلاب اسلامی ایران در بازگشت جهان به مذهب می‌گوید: آنچه در ایران در سال ۱۹۷۹م رخ داد، نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای تمام ادیان جهان نقطه عطفی بود.^(۳۴)

رویکردهای سیاست خارجی کشورهای اسلامی منطقه

«دیپلماسی» واژه‌ای است با ریشه یونانی «Diploma»، به مفهوم نوشته طومارگونه‌ای که به موجب آن، امتیازهای خاصی به کسی داده می‌شود. این واژه بعدها به فرستادگان دولت‌ها اطلاق شد. به تدریج با افزایش روزافزون مبادله‌ها و نیز ضرورت استخدام افراد برای نگهداری این اسناد، به این امر توجه بیشتری شد و آنان را «دیپلمات» و شغلشان را «دیپلماسی» خواندند.^(۳۵)

برقراری روابط دیپلماتیک بر پایه عادت و رسم ساده‌ای استوار است و امروزه هنوز هیچ‌گونه الزام حقوقی برای کشورها در این مورد وجود ندارد. بدیهی است این امر ناشی از اصل حاکمیت و استقلال هر کشور است؛ زیرا

در کشورهای اسلامی که باید این اصول قرآنی حاکم باشد، بعضی از سران آنها برای تحکیم قدرت خود به مبارزه با این آموزه‌ها می‌پردازند. در این کشورها، عزت مسلمانان به حدی زیر پا گذاشته می‌شود که برای رفتن به مسجد مجبور به گرفتن مجوز از دولت می‌شوند.

به رغم این آموزه‌های قرآنی، سیاست خارجی برخی از کشورهای اسلامی در جهت ذلت مسلمانان است. اوج این مسئله را می‌توان در بستن گذرگاه رفح توسط دولت مبارک دانست؛ تنها راه رساندن غذا و دارو به یک جامعه مسلمان از سوی یک دولت به ظاهر اسلامی بسته می‌شود و این ذلت تا حدی ادامه می‌یابد که آمریکا و دولت صهیونیستی در کنفرانس آنابولیس و دیدار بوش از منطقه در ژانویه ۲۰۰۸، از مصر می‌خواهند همکاری امنیتی و اطلاعاتی خود را با رژیم صهیونیستی تا انهدام و نابودی مقاومت اسلامی در فلسطین به رهبری حماس ادامه دهد. این مسئله ذلت ملت مصر در آن مقطع تاریخی را به دنبال داشت و بعد از انقلاب در این کشور، برای احیای این آموزه‌ها دولت موقت به دلیل فشار افکار عمومی مجبور به بازگشایی این معبر شد.

حذف گروه‌های اسلامی از دخالت در سیاست خارجی

در کشوری که اکثریت جمعیتش مسلمان هستند و اسلام با تاریخ آن آمیخته است، نمی‌توان گروه‌های اسلامی را که مبلغ و مفسر آن هستند، نادیده گرفت؛ اتفاقی که در مصر و تونس طی سالیان زیاد رخ داد و دولت‌های این دو کشور با عدم درک این مسئله، گروه‌های اسلامی را از دخالت در تصمیمات سیاسی برحذر داشتند و با آنها هرگز به مشاوره نپرداختند.

در حالی که خداوند مشورت را مهم‌ترین اصل اجتماعی می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ

حسنی مبارک، مصر همیشه به عنوان شریک رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه عمل کرده و بیش از آنکه در صدد تأمین منافع ملت مصر و سپس ملت مظلوم فلسطین در منطقه باشد، در خدمت سیاست آمریکایی‌ها بوده است. در دیگر کشورهای اسلامی مانند اردن، بحرین و یمن نیز نوع این رابطه قابل ردیابی است و این کشورها محل امنی برای نیروهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل شده‌اند تا با کسب اطلاعات از کشورهای اسلامی، در زمان مناسب از آن استفاده کنند. کشورهای اسلامی که باید منافع خود را در جهان اسلام تعریف کنند، تبدیل به متحدان ضد اسلام شده‌اند و این، در روان جامعه اسلامی بسیار سنگین خواهد بود و در بلندمدت دوام نخواهد آورد. جامعه‌شناسی شعارها در برخی از این کشورها نشان می‌دهد که تنفر از آمریکا و اسرائیل در این بیداری اسلامی مشترک است.

حرکت در جهت ذلت مسلمانان

برخی از آیات قرآن کریم، عزت را علاوه بر خداوند، از آن پیامبر ﷺ و مؤمنان دانسته‌اند: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون: ۸) مؤمنان از پرتو عزت پروردگار، کسب عزت کرده‌اند و در مسیر اطاعت او گام برمی‌دارند؛ زیرا آنان با حقیقت عبودیت و بندگی آشنا هستند و قدرت و مالکیت را از آن خدا می‌دانند و تمام اعمالشان را در جهت رسیدن به مقام قرب او انجام می‌دهند و در راه زنده نگه داشتن حق با چشمانی بیدار و عزمی استوار تلاش می‌کنند؛ چراکه می‌دانند هرگز مردم ذلیل نمی‌توانند از چنگ ستمگران رهایی یابند. قرآن کریم به مؤمنان هشدار می‌دهد که عزت را در همه شئون زندگی، اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... از غیر خدا نجویند: ﴿أَيُّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (نساء: ۱۳۹)

همراهی با کشورهای اسلام‌ستیز

وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، باعث به وجود آمدن موجی علیه اسلام به رهبری ایالات متحده آمریکا شد. پس از یازدهم سپتامبر، نئومحافظه‌کاران آمریکا، بنیادگرایان اسلامی را عامل حوادث تروریستی و حمله به برج‌های دو قلو و پنتاگون دانستند. در این زمینه، از بنیادگرایان به عنوان فاشیست‌های اسلامی یاد کردند.^(۴۰) کشورهای اسلامی به جای اینکه با تبیین چهره واقعی اسلام، به خنثا کردن سیاست‌های پنهانی ایالات متحده بپردازند، خود در مسیر این سیاست تهاجمی ایالات متحده قرار گرفتند و با آن همراهی کردند که نتیجه آن، اشغال دو کشور اسلامی بود و بسیاری از کشورهای اسلامی از این حملات حمایت کردند. اتخاذ این سیاست‌های ضداسلامی برای مردم مسلمان این کشورها سخت بود و به تدریج به بیداری این ملت‌ها انجامید.

برای مثال، بیشترین حوزه‌های نفتی عربستان در شرق این کشور وجود دارد و ساکنان این مناطق بیشتر از شیعیان هستند و تا دهه ۱۹۷۰م حدود ۵۰ درصد از نیروی کار شرکت نفتی آرامکو از شیعیان بودند، اما به دلیل سیاست‌های دولت عربستان هرگز از منافع این شرکت بهره‌مند نشدند و از رسیدن به مشاغل و مناصب بالای این شرکت منع شدند. در حالی که این منطقه به دلیل داشتن منافع نفتی و وجود فناوری‌های برتر از سوی آمریکایی‌ها بسیار غنی است، اما مردمش به خاطر شیعه بودن، از مزایای حضور این شرکت و نفت منطقه بی‌بهره‌اند.^(۴۱) تأخیر در رابطه آمریکا و عربستان به دلیل ناشناخته بودن نفت این سرزمین در آن زمان بود، اما با حضور شرکت‌های آمریکایی این رابطه تبدیل به یک رابطه استراتژیک شد.^(۴۲) که عربستان برای حفظ این رابطه، حتی حاضر به سرکوب مسلمانان بحرین شده است.

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۳۸﴾ (شوری: ۳۸)؛ و آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنها صورت می‌گیرد، و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. این آیه به برخی از اوصاف مؤمنان اشاره کرده، می‌فرماید: مؤمنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و فرمان‌های او را از جان و دل پذیرفته و نماز را برپا داشته‌اند و کار آنها به طریق شورا و مشورت در میان آنها صورت می‌گیرد و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، در راه خداوند انفاق می‌کنند. بعد از نماز، مهم‌ترین مسئله اجتماعی همان «اصل شورا» است که بدون آن همه کارها ناقص است.

در حقیقت، رژیم‌های دیکتاتور حاکم بر جهان اسلام از اسلام‌گرایان به شدت واهمه دارند و برای جلوگیری از فعالیت آنها به هر کاری دست می‌زنند و به جای اینکه با این گروه‌ها برای تعیین ملاکات سیاست خارجی اسلامی مشاوره کنند، آنها را به تبعید می‌فرستند یا به بدترین وضع به زندان می‌اندازند. سرکوب در این کشورها محدود به اقلیت‌ها نیست. در کشوری مانند بحرین، شیعیان که اکثریت را در اختیار دارند، به شدت از سوی حاکمان سرکوب می‌شوند و متأسفانه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز از روند سرکوب‌ها در بحرین حمایت می‌کنند.^(۳۷) عربستان که پشتیبان حکومت‌های دیکتاتور منطقه است، بعد از انقلاب اسلامی به بهانه مقابله با گروه‌هایی که ادعا می‌کردند از سوی ایران آموزش می‌بینند، به عقد یک پیمان امنیتی مشترک با بحرین در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۱ پرداخت.^(۳۸) در آمار ارائه‌شده توسط محمد بدیع، رهبر جنبش اخوان المسلمین، تأکید شده که طی یک دهه گذشته بیش از سی هزار عضو این جنبش در رژیم مبارک زندانی بوده و اموالشان مصادره شده است.^(۳۹)

نتیجه‌گیری

موارد، دولت‌های حاکم برای تداوم سلطه خود، مقهور ساختار و یا کنشگران برتر شده‌اند، در حالی که سیاست خارجی اسلامی دارای مؤلفه‌هایی است که ملت‌های مسلمان خواهان اجرای آن هستند.

دین اسلام دینی جامع است که برای رویکردهای سیاست خارجی کشورهای اسلامی در نظام بین‌الملل اصول و اهدافی طراحی کرده است. این رویکردها با بررسی دولت اسلامی مدینه به رهبری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی قابل تبیین است که با رویکرد ساخت‌یابی از لحاظ نظری نزدیک‌تر است. هر چه سیاست خارجی در کشورهای اسلامی به سمت اصول، اهداف و ابزارهای اسلامی حرکت کند، با پذیرش بالایی از سوی جامعه مواجه خواهد شد و خروج از اصول قطعی اسلام و الگوی طراحی شده در دولت اسلامی پیامبر در مدینه، جامعه اسلامی را به واکنش وادار خواهد کرد. بین این دو متغیر، رابطه معکوس وجود دارد؛ به این صورت که کاهش یکی، افزایش متغیر دیگر را در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر، دوری هر چه بیشتر از اصول اسلامی سیاست خارجی، جرقه بیداری را در روان جامعه اسلامی به مثابه یک کنشگر فعال روشن خواهد کرد. تعارض شکل‌گرفته بین اعتقادات مردم در این کشورها و سیاست خارجی اعمالی از سوی حکومت‌ها، به تدریج تحت تأثیر انقلاب اسلامی باعث بیداری اسلامی در این کشورها و رجوع آنها به مبانی قرآنی خواهد شد. این بیداری نشان داد در کشورهای اسلامی هیچ برنامه‌ای، از جمله سیاست خارجی، بدون توجه به آموزه‌های اسلامی مورد پذیرش اکثریت جامعه قرار نخواهد گرفت و تجربه انقلاب اسلامی باعث قوت گرفتن این تفکر و جهت‌دهی مردم به سوی بیداری اسلامی و قیام علیه حاکمان دیکتاتور شده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- کالین های، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، ص ۱۵۹-۱۶۰.
- ۲- دانیل لیتل، *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، ص ۶۳-۶۹.
- ۳- جورج ریستزر، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوره معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۹۷.
- ۴- قدیر نصری، «فهم کنستراکتیویستی امور سیاسی»، *مطالعات راهبردی*، سال نهم، ش ۳۴، ص ۷۱۹.
- ۵- سیدصادق حقیقت، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، ص ۴۵۱.
- ۶- کامل النجار، *الدولة الإسلامية بين النظرية و التطبيق*، ص ۲۲.
- ۷- جرجی زیدان، *تاریخ التمدن الاسلامی*، ج ۱، ص ۲۸.
- ۸- فیلیپ خلیل حتی، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۳۶.
- ۹- حسن ابراهیم حسن، *تاریخ الاسلام السياسي و الدینی و الثقافی و الاجتماعي*، ص ۱۰۲.
- ۱۰- محمد عبدالقادر ابوفارس، *النظام السياسي فی الاسلام*، ص ۱۳۸.
- ۱۱- محمود سریع‌القلم، «سیاست خارجی ایران: قابلیت و امکان تغییر»، *روابط خارجی*، سال اول، ش ۱، ص ۲۳.
- ۱۲- محمدحسین خوشوقت، *تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، ص ۱۴۵.
- ۱۳- محیی‌الدین ابن‌عربی، *احکام القرآن*، ص ۵۵۴.
- ۱۴- عباسعلی عمیدزنجانی، *فقه سیاسی: حقوق بین‌الملل اسلامی*، ص ۴۷۶.
- ۱۵- عبدالعلی قوام، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، ص ۱۰۹.
- ۱۶- عدنان السیدحسن، *نظریة العلاقات الدولية*، ص ۲۰.
- ۱۷- جان ویک لین، *مبانی دیپلماسی چگونگی مطالعه روابط بین‌الملل*، ترجمه عبدالعلی قوام، ص ۳۰.

در کشورهای اسلامی که امروز در آنها ملت‌ها به بیداری رسیده‌اند، رویکرد دولت‌ها به نحوی ارائه شده که با رویکردهای اسلامی متفاوت است. در بسیاری از

- منابع
- آقایی، سیدداود، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران، کتاب سیاسی، ۱۳۶۸.
- ابراهیم، فؤاد، شیعیان عربستان، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۶.
- ابن عربی، محیی‌الدین، احکام القرآن، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ق.
- ابو فارس، محمد عبدالقادر، النظام السياسي فی الاسلام، اردن، دارالعرفان، ۱۹۸۶م.
- استمپل، دی جان، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، نگارش، ۱۳۷۷.
- النجار، کامل، الدولة الاسلامیه بین النظریه و التطبيق، طرابلس، تاله لطباعه والنشر، ۲۰۰۷م.
- امام خمینی، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
- جرجی، زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، بیروت، دارالمکتبه الحیاه، بی تا.
- حاجتی، میر احمدرضا، عصر امام خمینی، چ چهارم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- حتی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، ۱۳۶۶.
- حسن، ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام السياسي والديني والثقافي والاجتماعی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۴م.
- حقیقت، سیدصادق، روش‌شناسی علوم سیاسی، چ دوم، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۷.
- خوشوقت، محمدحسین، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، وزارت خارجه، ۱۳۸۵.
- دکمجیان، هرایر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، ۱۳۸۳.
- ریتزر، جورج، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوره معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- سجادی، سیدعبدالقیوم، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
- سریع‌القلم، محمود، «سیاست خارجی ایران: قابلیت و امکان تغییر»، روابط خارجی، سال اول، ش ۱، بهار، ۱۳۸۸، ص ۲۱-۴۰.
- سید، حسن عدنان، نظریه العلاقات الدولیه، بیروت، منشورات
18. W. Philips Shively, *Power Choice*, p. 158.
- ۱۹- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۵، ص ۷۵.
- ۲۰- میراحمدرضا حاجتی، عصر امام خمینی، ص ۵۹.
- ۲۱- دی جان استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، ص ۳۰۳.
- ۲۲- فرانسیس فوکویاما، آمریکا بر سر تقاطع، ترجمه مجتبی امیری وحید، ص ۱۲.
- ۲۳- امام خمینی، همان، ج ۱۲، ص ۱۴۸.
- ۲۴- همان، ج ۱۹، ص ۹۲.
- ۲۵- همان، ج ۱۷، ص ۶۳-۶۲.
- ۲۶- میراحمدرضا حاجتی، همان، ص ۶۰.
- ۲۷- امام خمینی، همان، ج ۱۱، ص ۲۵۹.
28. S. Joseph Nye, *Soft Power*, p. 27.
- ۲۹- محسن نصری، ایران دیروز، امروز، فردا، ص ۲۶۲.
- ۳۰- امام خمینی، همان، ج ۱۱، ص ۲۶۶.
- ۳۱- همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.
- ۳۲- حسن واعظی، «استراتژی‌های انقلاب اسلامی»، همشهری دیپلماتیک (پدیده قرن)، ش ۸۴، ص ۱۶-۱۷.
33. B. Lawrence, *Defenders of God: The Fundamentalist Revolt Against the modern Age*, p. 17.
- ۳۴- محسن نصری، همان، ص ۲۵۵.
- ۳۵- سیدعبدالقیوم سجادی، همان، ص ۱۹.
- ۳۶- محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۴۲۹.
- ۳۷- نفیسه فاضلی‌نیا، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از جمهوری اسلامی، ص ۱۵۸.
- ۳۸- دکمجیان هرایر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، ص ۲۸۷.
39. www.rasekhoon.net
- ۴۰- عنایت‌الله یزدانی و هجرت ایزدی، «تروریسم اسلامی افسانه یا واقعیت»، علوم سیاسی، سال دهم، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۹۲.
- ۴۱- ابراهیم فؤاد، شیعیان عربستان، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، ص ۴۶.
- ۴۲- سیدداود آقایی، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، ص ۹۷.

- الجامعة اللبنانية، ۱۹۹۸ م.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ سی و چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی: حقوق بین‌الملل اسلامی*، چ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- فاضلی‌نیا، نفیسه، *ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از جمهوری اسلامی*، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶.
- فوکویاما، فرانسیس، *آمریکا بر سر تقاطع*، ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران، نی، ۱۳۸۶.
- قوام، سید عبدالعلی، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
- لیستل، دانیل، *تیین در علوم اجتماعی (درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع)*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، صراط، ۱۳۷۳.
- محسن نصری، *ایران دیروز، امروز، فردا: تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، چ پنجم، قم، معارف، ۱۳۸۹.
- نصری، قدیر، «فهم کنستراکتیویستی امور سیاسی»، *مطالعات راهبردی*، سال نهم، ش ۳۴، زمستان ۱۳۸۵، ص ۷۱۲-۷۳۶.
- واعظی، حسن، «استراتژی‌های انقلاب اسلامی»، *همشهری دیپلماتیک (پدیده قرن)*، ش ۸۴، بهمن ۱۳۸۴، ص ۱۴-۲۱.
- ویک لین، جان، *مبانی دیپلماسی چگونگی مطالعه روابط بین‌الملل*، ترجمه عبدالعلی قوام، تهران، قومس، ۱۳۶۹.
- های، کالین، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نی، ۱۳۸۵.
- یزدانی، عنایت‌الله و هجرت ایزدی، «تروریسم اسلامی افسانه یا واقعیت»، *علوم سیاسی*، سال دهم، ش ۳۹ و ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ص ۷۵-۹۸.
- Lawrence, B., *Defenders of God: The Fundamentalist Revolt Against the modern Age*, London, I.B Tauris, 1990.
- Nye, Joseph S & J. Joenne Myers, *Soft Power*, Future Castsonline Magazine, v. 6, n. 9, 2004.
- Shively, W. Philips, *Power Choice*, Minneapolis, University of Minnesota, 2003.